

## باز تولید نابرابری جنسیتی در خانواده «مطالعه‌ی تطبیقی زنان شاغل و خانه‌دار شهر ایلام»

دکتر باقر ساروخانی\*، یسری محمودی\*\*

**چکیده:** نابرابری جنسیتی از مسایلی است که از گذشته‌ی دور همواره با بشر بوده است و فقط در شرایط زمانی و مکانی و بر حسب فرهنگ هر جامعه نوع نابرابری‌ها فرق کرده است. خانواده به‌عنوان نخستین نهادی که فرد در آن چشم می‌گشاید، اعم از اینکه خانواده به کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه تعلق داشته باشد مهترین عامل در انتقال تبعیض جنسیتی است، زیرا کودک به دلیل خالی بودن ذهنش در سال‌های اولیه‌ی زندگی و همچنین ارتباط تنگاتنگش با افراد خانواده به‌ویژه مادر، بسیار تحت تأثیر اندیشه‌ها و باورهای او (مادر) قرار می‌گیرد. هدف اصلی پژوهش، بررسی این مسأله می‌باشد که آیا در خانواده‌های ایلامی نابرابری جنسیتی وجود دارد یا خیر؟ و زنان در نقش مادر چگونه و تا چه حد نابرابری جنسیتی را تولید می‌کنند؟ از دیگر اهداف پژوهش بررسی انواع نابرابری جنسیتی در خانواده و نیز بررسی رابطه‌ی اشتغال و سرمایه‌ی فرهنگی مادران با تولید نابرابری جنسیتی در خانواده است. چارچوب نظری پژوهش بر اساس نظریه‌ی اصحاب فمینیسم لیبرال و ساروخانی انتخاب شده است. روش پژوهش شامل دو بخش "اسنادی" و "پیمایشی" بوده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش زنان شهر ایلام که فرزندان از دوجنس (دختر و پسر) دارند و حجم نمونه ۳۳۰ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری، تصادفی خوشه‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های واریانس یک‌سویه، خی دو، ضریب همبستگی اسپیرمن و LSD استفاده گردید. طبق یافته‌های پژوهش در اکثر خانواده‌های ایلامی نابرابری جنسیتی در سه حوزه‌ی، هنجاری، آموزشی تحصیلی و اقتصادی مشاهده می‌شود. زنان به‌عنوان مادر نقش مهمی در ایجاد نابرابری جنسیتی در خانواده بین فرزند دختر و پسر خویش دارند. بین اشتغال مادران و تولید نابرابری جنسیتی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. بیشترین میزان نابرابری جنسیتی توسط مادران خانه‌دار تولید می‌شود.

\* استاد دانشگاه تهران

\*\* کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

بیشترین میزان تبعیض جنسیتی توسط مادران زیر دیپلم ایجاد شده است. همچنین مادرانی که اوقات فراغت خویش را به مطالعه‌ی کتاب، مجله و روزنامه می‌گذرانند، کمترین رتبه‌ی نابرابری جنسیتی را به خود اختصاص داده‌اند؛ مادرانی که اوقات فراغت خویش را با شرکت در مجالس مذهبی و فرهنگی می‌گذرانند، بیشترین نابرابری جنسیتی را در خانواده تولید می‌کنند.

در پایان باید گفت، بیشترین میزان نابرابری در حوزه‌ی نابرابری هنجاری می‌باشد و کمترین نابرابری در حوزه‌ی اقتصادی است.

**کلید واژه‌ها:** اشتغال، خانواده، سرمایه‌ی فرهنگی، نابرابری جنسیتی

## مقدمه

نابرابری جنسیتی از مسائلی است که از گذشته‌ی دور همواره با بشر بوده است و فقط در شرایط زمانی و مکانی و بر حسب فرهنگ هر جامعه، نوع نابرابری‌ها فرق کرده است.

خانواده به‌عنوان نخستین نهادی که فرد در آن چشم می‌گشاید اعم از اینکه خانواده به کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه تعلق داشته باشد بهترین عامل درانتقال تبعیض جنسیتی<sup>۱</sup> است، زیرا کودک به دلیل خالی‌بودن ذهنش در سال‌های اولیه‌ی زندگی و همچنین ارتباط تنگاتنگش با افراد خانواده به‌ویژه مادر میزان تأثیرپذیری‌اش بسیار زیاد است. اولین نشانه‌های تبعیض جنسیتی در خانواده با تولد نوزاد نمایان می‌شود. شاید اولین پرسشی که بعد از تولد هر نوزادی، پرسیده می‌شود در ارتباط با جنسیت است؛ و بر حسب پسر یا دختربودن نوزاد، واکنش‌های به نسبت متفاوتی از سوی والدین و اطرافیان صورت می‌گیرد.

برخوردها، رفتار و عواطف پدر و مادر نسبت به فرزندانشان بر حسب اینکه پسر باشد یا دختر، متفاوت می‌شود. به‌عنوان مثال، در بسیاری از کشورها، تولد نوزاد پسر شادمانی‌های گسترده و دیرپای در پی دارد، اما تولد نوزاد دختر یا به سکوت برگزار می‌گردد و یا به سرزنش‌ها و سرکوفت‌های شوهر به همسرش می‌انجامد (میشل، ۱۳۷۶، ص ۳۵).

در پاره‌ای از جوامع، اعمال تبعیض جنسیتی به‌صورت کاملاً آشکار و همراه با آدابی خاص صورت می‌گیرد. به‌عنوان مثال، در لوکانی ایتالیا، زمانی که نوزاد پسر به دنیا می‌آید، پارچ آبی را در خارج از منزل خالی می‌کنند تا نشان دهند که پسر متولد شده تمام راه‌های دنیا را در می‌نورد. اما زمانی که نوزاد دختر باشد، آب را در بخاری می‌ریزند، بدین معنی که دختر متولد شده در چهار دیواری خانه خواهد ماند (جانیتی بلوتی، ۱۳۸۱، ص ۷۶).

جنسیت مفهومی است که برای نخستین بار طرفداران جنبش زنان در آمریکا، با مفهوم کیفیت تمایزهای اجتماعی میان دو جنس به‌کار بردند (نوابی نژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

1- gender discrimination

جامعه‌شناسان تمایز مهمی میان "جنس"<sup>۱</sup> و "جنسیت"<sup>۲</sup> قایل‌اند. اصطلاح جنس بر تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد دلالت دارند، حال آنکه جنسیت ناظر به ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه آن را تعیین می‌کند و با مرد یا زن بودن و به اصطلاح «مردانگی»<sup>۳</sup> و «زنانگی»<sup>۴</sup> همراه است. اگر نقش جنس و جنسیت ریشه در بیولوژی داشته باشد، انتظار از جنس‌های متفاوت باید جهانی باشد، ولی در واقع چنین نیست. همه می‌دانند که جوامع مفاهیم اجتماعی را به تفاوت بین جنس‌ها نسبت می‌دهند. در بیشتر جوامع پسران و دختران بازی‌های متفاوتی را یاد می‌گیرند و پاداش‌های متفاوتی برای رفتار خوب دریافت می‌کنند (شایگان، ۱۳۸۵، ص ۳۴).

برخی بر این باورند که عوامل بیولوژیکی در شکل‌دادن به نقش‌های جنسی زن و مرد در جامعه نقش بسزایی دارد، در نتیجه‌ی این امر زمینه را برای نسبت دادن برخی صفات متمایزکننده به مردان و زنان فراهم آورده است به گونه‌ای که مردان را قوی‌تر از زنان و از این‌رو برای کارهای سخت مناسب‌تر می‌دانند (گرت، ۱۳۸۰، ص ۱۲).

سیمون دوبوار در کتاب «جنس دوم» می‌نویسد: هیچ فردی زن زاده نمی‌شود، بلکه بعدها زن می‌شود. دوبوار نقش فرهنگ را در تفاوت‌های جنسیتی برجسته می‌کند. به نظر سیمون دوبوار، به سبب برخورد متقابل اطرافیان، دخترها خیلی زود دست از جست و خیزهای بچه‌گانه بر می‌دارند و رفتارهای زنانه پیدا می‌کنند، در صورتی که پسران به نوآوری، ابتکار و جست و خیز و حرکت تشویق می‌شوند.

اوسولا شو در کتاب خود با عنوان «ما به‌عنوان دختر به دنیا نمی‌آییم، بلکه تبدیل به دختر می‌گردیم» می‌گوید: خانواده به محض اعلام جنسیت کودک، روند جامعه‌پذیری جنسیتی<sup>۵</sup> خاصی را آغاز می‌کند، قبول نقش‌های جنسیتی یک امر اتفاقی نیست و از طریق ویژگی‌های بیولوژیکی تعیین نشده است، بلکه روندی تراکمی، از کسب قابلیت‌ها و ویژگی‌های خاص هر جنس دارد. هرچند که این روند در مرحله‌ی خاصی از تکامل کودک تقریباً به اتمام می‌رسد اما واقعیات اجتماعی مانند روابط حاکم در تولید<sup>۶</sup> و باز تولید<sup>۷</sup>، تحکیم‌کننده‌ی نقش‌های جنسیتی هستند (اعزازی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۲).

1- sex

3- masculinity

5- gender socialization

7- reproduction

2- gender

4- femininity

6- production

پس تبعیض جنسیتی در کشورهای توسعه‌یافته<sup>۱</sup> و در حال توسعه<sup>۲</sup> همچنان به‌عنوان یک واقعیت وجود دارد، فقط شدت آن در جوامع در حال گذار بیشتر به چشم می‌خورد. ایران نیز که در حال گذار به سر می‌برد، از این قاعده مستثنی نیست.

زنان در خانواده نقش به‌سزایی در تفکیک نقش‌ها بر اساس جنسیت بین فرزندان خود دارند و آگاهانه یا ناآگاهانه حقوق مساوی برای فرزندان خود قایل نیستند، زیرا زنان خود در معرض این نابرابری‌ها قرار گرفته‌اند و اینگونه برخوردها را طبیعی قلمداد می‌کنند، و به این صورت تفکر مردیت استعلایی<sup>۳</sup> توسط خود زنان تولید و باز تولید می‌شود. ما در این پژوهش به بررسی تبعیض جنسیتی توسط خود زنان می‌پردازیم و نقش زنان را به‌عنوان مادر در ایجاد نابرابری‌های جنسیتی در خانواده مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

### طرح مسأله

اهمیت این موضوع یعنی ایجاد نابرابری جنسیتی در خانواده از این لحاظ است، که علی‌رغم اینکه در ایران و کشورهای دیگر پژوهش‌هایی در ارتباط با تبعیض جنسیتی در زمینه‌ی آموزش، اشتغال و غیره... صورت گرفته است، اما در ارتباط با تبعیض جنسیتی در خانواده و ایجاد آن توسط زنان پژوهش‌های اندکی شده است.

زنان چه آگاهانه یا ناآگاهانه به دلیل داشتن تفکرات مردسالارانه، مزایایی را از خود دریغ و امتیازاتی را به مردان به‌صرف جنسیتشان اعطا می‌کنند. این نوع تفکر که نابرابری را رواج می‌دهد، سلامت روانی افراد را به مخاطره می‌اندازد و مانعی در راه تکامل طبیعی انسان می‌گردد پس، با انجام این‌گونه پژوهش‌ها می‌توان جامعه و افراد را به این مسأله آگاه کرد که چنین اندیشه‌هایی غیرطبیعی و ترویج آنها مانع توسعه و پیشرفت جامعه است.

### مبانی نظری

از میان نظریه‌های جامعه‌شناختی، به‌نظر می‌رسد که دیدگاه‌های فمینیستی، به‌ویژه آنکه یکی از نظریه‌های جدید در جامعه‌شناسی است، مناسب‌ترین دیدگاه است. لیکن فمینیست‌ها فراتر از یک معنای کلی، گروهی یکپارچه نیستند و برای آنچه ستم‌دیدگی زنان را نشان دهند توضیح‌های متفاوت و گاه متضادی ارائه می‌دهند. رادیکال فمینیست‌ها بیشتر ستم‌دیدگی زنان را با تسلط مردان توضیح می‌دهند. حال آنکه سوسیال فمینیست‌ها، آن‌را به حساب سرمایه‌داری

1- developed countries

2- developing countries

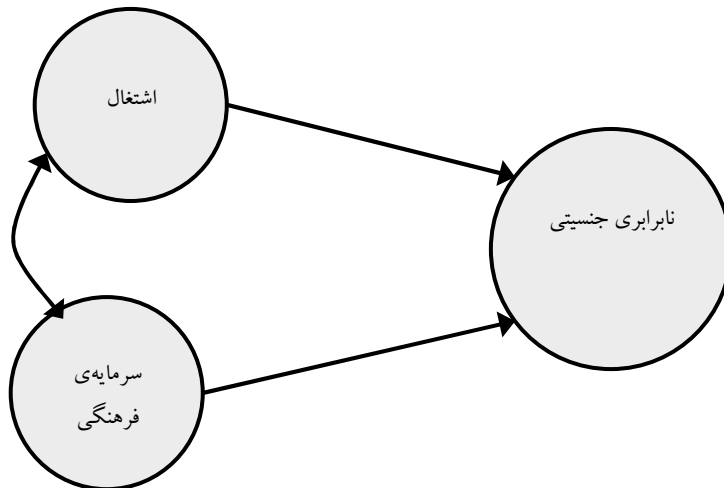
۳- منظور ذاتی و طبیعی قلمداد کردن برتری مردان است.

می‌گذارند. لیبرال فمینیست‌ها نیز بر نحوه‌ی جامعه‌پذیری و نوع چارچوب ساختارهای اجتماعی تأکید می‌ورزند.

لذا از بین دیدگاه‌های فمینیستی، لیبرال فمینیسم به‌عنوان چارچوب نظری انتخاب شده است، زیرا که فمینیسم لیبرال نابرابری را امری نه طبیعی، بلکه یادگرفته می‌داند و تبعیض جنسیتی را ناشی از پیش‌دوری‌ها و باورهای نادرست انتقال یافته از طریق فرایند پر اهمیت اجتماعی شدن می‌داند. فمینیسم لیبرال‌ها معتقدند که تفاوت‌های قابل مشاهده بین دو جنس ذاتی نیست، بلکه نتیجه‌ی جامعه‌پذیری و همگون‌سازی نقش و جنس است و والدین از بدو تولد فرزندان، رفتاری متفاوت با دختر و پسر خویش دارند.

البته در مقابل دیدگاه فمینیسم لیبرال ما معتقدیم که، منشأ اساسی نابرابری جنسیتی از خانواده می‌باشد، خانواده به تبلور باورهای اجتماعی و اعمال و تداوم نابرابری‌های جنسیتی می‌پردازد و تفکر مردیت استعلایی که در ذهن زنان ما وجود دارد باعث می‌شود زنان یکسری امتیازات را به پسران خویش به صرف مرد بودنشان اعطا کنند و یکسری مزایا را از دختران خویش به صرف زن بودنشان دریغ ورزند. در نتیجه پدر سالاری مکنون، که در اذهان مادران نقش بسته است، منشأ اعمال نابرابری و تبعیض بین فرزندان دختر و پسر می‌گردد. بر پایه‌ی اصولی چون بقای عوامل، تبدل و تجمیع آنان، اثرات دوران کودکی باقی می‌ماند و سپس در خلال سنت‌ها تداوم می‌پذیرد (ساروخانی، ۱۳۸۰).

### مدل نظری پژوهش:



### فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد مادران ایلامی نقش مهمی در ایجاد نابرابری جنسیتی بین فرزندان دختر و پسر خود دارند.
- ۲- به نظر می‌رسد مادران ایلامی نقش مهمی در ایجاد نابرابری جنسیتی در حوزه هنجاری بین فرزندان دختر و پسر خود دارند.
- ۳- به نظر می‌رسد مادران ایلامی نقش مهمی در ایجاد نابرابری جنسیتی در زمینه آموزشی- تحصیلی بین فرزندان پسر و دختر خود دارند.
- ۴- به نظر می‌رسد مادران ایلامی نقش مهمی در ایجاد نابرابری جنسیتی در حوزه اقتصادی بین فرزندان دختر و پسر خود دارند.
- ۵- به نظر می‌رسد اشتغال مادران با تولید نابرابری جنسیتی در خانواده رابطه معکوس داشته باشد.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از دو بخش اسنادی و پیمایشی تشکیل شده است. پژوهش پیمایشی روشی است برای گردآوری داده‌ها از طریق پاسخگویی افراد مورد نظر به مجموعه‌ای از پرسش‌ها و گویه‌ها.

در بخش اسنادی به مطالعه و بررسی پژوهش‌های پیشین و جمع‌آوری و فیش‌برداری مطالب مرتبط با پژوهش پرداخته شده است و در بخش پیمایشی از پرسش‌نامه با طیف لیکرت و پرسش‌های بسته استفاده شده است.

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر کلیه‌ی مادران ایلامی می‌باشد، که فرزندان از دو جنس (هم دختر و هم پسر) دارند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت کل شهر ایلام ۷۸۶۸۷ نفر می‌باشد.

با توجه به کمبود وقت و بالا بودن هزینه، در پژوهش حاضر با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه، تعداد محدودی از زنان انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در پژوهش حاضر، برای به دست آوردن حجم نمونه از فرمول  $n = t^2 \times \frac{s^2}{d^2}$  با سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای نمونه‌گیری ۵ درصد استفاده شده است، که در نهایت ۳۳۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردید. همچنین برای نمونه‌گیری از روش تصادفی خوشه‌ای استفاده شده است.

## یافته‌ها

نابرابری جنسیتی عبارت است از برخورد یا عملی که بر اساس جنسیت افراد به تحقیر، طرد و کلیشه‌بندی مردان و زنان می‌پردازد. پیشداوری، ایدئولوژی و نگرش‌هایی است که زنان را فرودست و کم ارزش‌تر از مردان و مردان را مسلط بر زنان می‌دانند. گرایشی که برای تکریم یک جنس به تحقیر جنس دیگر می‌پردازد (میشل، ۱۳۷۶، ص ۲۴).

نابرابری جنسیتی یعنی نابرابری زن و مرد در داشتن امکانات موجود (ساروخانی، ۱۳۸۰، ۶۷۳).

در شهر سنتی و کم جمعیت ایلام نابرابری جنسیتی به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی مشاهده می‌شود، و در این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش‌ها هستیم که آیا نابرابری جنسیتی در شهر ایلام وجود دارد؟ اگر وجود دارد، شدت آن چقدر است؟ در چه حوزه‌ای نابرابری بیشتر و در چه حوزه‌ای نابرابری کمتر مشاهده می‌شود؟ آیا تفاوتی بین زنان شاغل و زنان خانه‌دار در ایجاد نابرابری جنسیتی وجود دارد؟

## بررسی فرضیه‌های پژوهش

- به‌نظر می‌رسد اکثر مادران ایلامی نقش مهمی در ایجاد نابرابری جنسیتی بین فرزندان دختر و پسر خود دارند.

این فرضیه یعنی ایجاد نابرابری جنسیتی توسط مادران، که با توجه به پرسش‌های ۱ تا ۲۴ پرسش‌نامه‌ی تعیین شده از آزمون تی- استیودنت استفاده شد، نتایج حاصل از آزمون  $t$ ، ۱۶/۶۴ محاسبه گردید که نشان‌دهنده‌ی این مسأله است که اکثر مادران ایلامی نقش مهمی در ایجاد نابرابری جنسیتی در خانواده دارند. این فرض با ضریب اطمینان ۹۵٪ پذیرفته شد. پس مادران منشأ نابرابری جنسیتی در خانواده و همچنین انتقال دهنده‌ی نابرابری می‌باشند.

- به‌نظر می‌رسد اکثر مادران ایلامی نقش مهمی در ایجاد نابرابری جنسیتی در زمینه‌ی هنجاری بین فرزندان دختر و پسر خود دارند.

این فرضیه یعنی ایجاد نابرابری جنسیتی در زمینه‌ی هنجاری، با پرسش‌های یک تا دوازده پرسش‌نامه سنجیده شده است. نتایج آزمون تی- استیودنت، ۲۲/۸۷۹ می‌باشد که نتایج حاصل از آزمون با ضریب اطمینان ۹۵٪ نشان می‌دهد که مادران در ایجاد نابرابری جنسیتی در زمینه‌ی هنجاری بین فرزندان نقش مؤثری دارند.

- به نظر می‌رسد اکثر مادران ایلامی نقش مهمی در ایجاد نابرابری جنسیتی در زمینه‌ی آموزشی- تحصیلی بین فرزندان دختر و پسر خود دارند.
- این فرضیه یعنی ایجاد نابرابری جنسیتی در زمینه‌ی آموزشی توسط مادران، با ۷ پرسش مورد سنجش قرار گرفت و نتایج آزمون ناپارامتری خی دو  $77/576$  با درجه آزادی ۱ نشان داد که ۲۴۵ نفر به وجود نابرابری اعتقاد دارند، در نتیجه با ضریب اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت که مادران ایلامی در ایجاد نابرابری جنسیتی در زمینه‌ی آموزشی بین فرزندان پسر و دختر نقش مؤثری دارند.
- به نظر می‌رسد اکثر مادران نقش مهمی در ایجاد نابرابری جنسیتی در زمینه‌ی اقتصادی بین فرزندان دختر و پسر دارا هستند.
- این فرضیه یعنی ایجاد نابرابری جنسیتی در زمینه‌ی اقتصادی توسط مادران، با پنج پرسش سنجیده شده است، نتایج آزمون ناپارامتری خی دو  $8/194$  با درجه‌ی آزادی یک نشان داد که می‌توان با اطمینان ۹۵٪ ادعا نمود که مادران ایلامی در ایجاد نابرابری جنسیتی بین فرزندان دختر و پسر خود از دیدگاه اقتصادی نیز نقش مؤثری دارند.
- به نظر می‌رسد اشتغال مادران با تولید نابرابری جنسیتی در خانواده رابطه‌ی معکوس داشته باشد.
- برای بررسی فرض فوق نیز رابطه‌ی بین شاخص مربوط به میزان نابرابری جنسیتی و پرسش مربوط به اشتغال مادران از طریق محاسبه‌ی ضریب همبستگی اسپیرمن به دست آمد. مقدار ضریب همبستگی به دست آمده ( $r = -0/256$ ) نشان از رابطه‌ی منفی بین اشتغال و میزان نابرابری جنسیتی داشت که در سطح ۹۹٪ معنی‌دار است.
- همچنین با استفاده از روش تحلیل واریانس یکسویه تفاوت بین میزان نابرابری در گروه‌های مختلف شغلی (کارمند اداری، فرهنگی، آزاد و خانه دار) مورد مقایسه قرار گرفت. ضمن آنکه با استفاده از پس‌آزمون LSD بین میانگین نابرابری در گروه‌های تحصیلی مقایسه صورت پذیرفت.

جدول شماره‌ی ۱: نتایج تحلیل واریانس یک سویه

خاستگاه تغییرات	درجه‌ی آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
بین گروه‌ها	۳	۷/۲۲۰	۲/۴۰۷	۸/۶۷۹	۰/۰۰۰
درون گروه‌ها	۳۱۹	۸۸/۴۶۷	۰/۲۷۷		
کل	۳۲۲	۹۵/۶۸۸			



نتایج جدول تحلیل واریانس حاکی از معنی‌دار بودن  $F$  در سطح  $P=0/000$  است. که مؤید معنی‌دار بودن تفاوت نابرابری جنسیتی در گروه‌های مختلف شغلی بود. به‌منظور شناخت تفاوت بین گروه‌های شغلی از پس‌آزمون LSD استفاده شد.

جدول شماره ۲: میانگین نابرابری جنسیتی در گروه‌های شغلی

گروه شغلی	میانگین	تعداد	انحراف معیار
کارمند	۲/۸۵۸۶	۷۶	۰/۵۳۲۲۳
خانه‌دار	۳/۱۳۰۰	۱۷۴	۰/۵۳۳۳۴
فرهنگی	۲/۷۹۵۵	۶۶	۰/۴۸۴۷۰
آزاد	۲/۹۶۴۳	۷	۰/۶۷۵۹۰

همان‌گونه که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، نتایج این آزمون نشان از وجود اختلاف بین میزان نابرابری جنسیتی افراد با مشاغل مختلف دارد.

جدول فوق نشان می‌دهد که بیشترین میزان نابرابری جنسیتی مربوط به زنان خانه‌دار بوده است که با دو گروه زنان شاغل فرهنگی و کارمند اداری تفاوت معنی‌داری در سطح ۵٪ داشته است. بین زنان خانه‌دار و زنان دارای شغل آزاد تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود.

جدول شماره ۳: نتایج پس‌آزمون LSD برای مقایسه‌ی میزان نابرابری جنسیتی گروه‌های مختلف شغلی

شغل (۱)	شغل (۲)	اختلاف میانگین	سطح معنی‌داری	فاصله ۰/۹۵ اطمینان	
				حد پایین	حد بالا
کارمند	خانه‌دار	*-۰/۲۷۱۴۱	۰/۰۰۰	-۰/۴۱۳۹	-۰/۱۲۸۹
کارمند	فرهنگی	۰/۰۶۳۱۷	۰/۴۷۶	-۰/۱۱۱۲	۰/۲۳۷۵
کارمند	آزاد	-۰/۱۰۵۶۵	۰/۶۱۲	-۰/۵۱۴۹	۰/۳۰۳۶
خانه‌دار	کارمند	*۰/۲۷۱۴۱	۰/۰۰۰	۰/۱۲۸۹	۰/۴۱۳۹
خانه‌دار	فرهنگی	*۰/۳۳۴۵۶	۰/۰۰۰	۰/۱۸۴۸	۰/۴۸۴۴
خانه‌دار	آزاد	۰/۱۶۵۷۶	۰/۴۱۵	-۰/۲۳۳۶	۰/۵۶۵۲
فرهنگی	کارمند	-۰/۰۶۳۱۷	۰/۴۷۶	-۰/۲۳۷۵	۰/۱۱۱۲
فرهنگی	خانه‌دار	*-۰/۳۳۴۵۷	۰/۰۰۰	-۰/۴۸۴۴	-۰/۱۸۴۸
فرهنگی	آزاد	-۰/۱۶۸۸۲	۰/۴۲۱	-۰/۵۸۰۷	۰/۲۴۳۰
آزاد	کارمند	۰/۱۰۵۶۵	۰/۶۱۲	-۰/۳۰۳۶	۰/۵۱۴۹
آزاد	خانه‌دار	-۰/۱۶۵۷۶	۰/۴۱۵	-۰/۵۶۵۲	۰/۲۳۳۶
آزاد	فرهنگی	۰/۱۶۸۸۲	۰/۴۲۱	-۰/۲۴۳۰	۰/۵۸۰۷

## یافته‌های فرعی پژوهش

- نابرابری جنسیتی در کدام یک از سه زمینه (هنجاری- اقتصادی و آموزشی) بیشتر می‌باشد؟

برای مقایسه بین میانگین سه شاخص به‌دست آمده مربوط به نابرابری جنسیتی با توجه به نرمال نبودن متغیرهای مورد بررسی از آزمون ناپارامتری مقایسه‌ی چند گروه وابسته<sup>۱</sup> فریدمن<sup>۲</sup> استفاده گردید.

با توجه به نتایج به‌دست آمده ( $\chi^2 = 128/643$  = کای اسکوار،  $p = 0$ ) تفاوت بین شاخص‌های نابرابری در سطح ۰.۹۹٪ معنی‌دار است. همان‌گونه که در جدول مشخص است بیشترین رتبه مربوط به نابرابری هنجاری و کمترین به نابرابری اقتصادی تعلق دارد.

جدول شماره‌ی ۴: نتایج آزمون‌های دو در خصوص شاخص‌های نابرابری

شاخص نابرابری	میانگین رتبه	Friedman آزمون	
هنجاری	۲/۴۱	Chi-Square	۱۲۸/۶۴۳
آموزشی	۲/۰۵	درجه‌ی آزادی	۲
اقتصادی	۱/۵۴	P value	۰/۰۰۰

- به‌نظر می‌رسد بین بعد خانوار و ایجاد نابرابری جنسیتی رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد. برای بررسی فرضیه‌ی فوق نیز رابطه‌ی بین شاخص مربوط به میزان نابرابری جنسیتی و تعداد فرزندان (که فاقد توزیع نرمال بود) از طریق محاسبه ضریب همبستگی اسپیرمن به‌دست آمد.

مقدار ضریب همبستگی به‌دست آمده ( $r = 0/341$ ) نشان از رابطه‌ی مثبت و مستقیم بین بعد خانوار یا همان تعداد فرزند و میزان نابرابری جنسیتی داشت که در سطح ۰/۹۹ معنی‌دار شده است.

از دیگر یافته‌های فرعی پژوهش می‌توان به رابطه‌ی بین تحصیلات و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت با اعمال نابرابری جنسیتی توسط مادران اشاره کرد.

1- Tests for Several Related Samples

2- Friedman

در ارتباط با متغیر تحصیلات، با استفاده از روش تحلیل واریانس یکسویه تفاوت بین میزان نابرابری در بین افراد با مدارج تحصیلی مختلف (زیر دیپلم، دیپلم و فوق دیپلم، کارشناسی و بالاتر) مورد مقایسه قرار گرفت، ضمن آنکه با استفاده از پس آزمون LSD بین میانگین نابرابری در گروه‌های تحصیلی مقایسه صورت پذیرفت.

جدول شماره ۵: نتایج تحلیل واریانس یکسویه

سطح معنی‌داری	F	میانگین مجزورات	مجموع مجزورات	درجه‌ی آزادی	خاستگاه تغییرات
۰/۰۰۰	۳۶/۳۶۰	۸/۸۵۸	۱۷/۷۱۶	۲	بین گروه‌ها
		۰/۲۴۴	۷۹/۶۶۱	۳۲۷	درون گروه‌ها
			۹۷/۳۷۷	۳۲۹	کل

نتایج جدول تحلیل واریانس حاکی از معنی‌دار شدن F بود، به عبارت بهتر میزان نابرابری جنسیتی در گروه‌های تحصیلی، تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد ( $P=0/000$ ).

جدول شماره ۶: میانگین نابرابری جنسیتی در گروه‌های تحصیلی

انحراف معیار	تعداد	میانگین	مدرک تحصیلی
۰/۴۵۹۸۵	۱۳۲	۳/۲۷۸۳	زیر دیپلم
۰/۵۰۰۷۵	۱۲۰	۲/۸۴۵۶	دیپلم و فوق دیپلم
۰/۵۳۵۹۸	۷۸	۲/۷۵۶۳	کارشناسی و بالاتر

به‌منظور شناخت تفاوت احتمالی بین گروه‌های تحصیلی از پس آزمون LSD استفاده شد. نتایج این آزمون نشان از وجود اختلاف بین میزان نابرابری جنسیتی افراد با درجات مختلف تحصیلی داشت. جدول زیر نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی ۷: پس‌آزمون LSD برای مقایسه‌ی میانگین‌های میزان نابرابری گروه‌های مختلف

تحصیلی					
فاصله‌ی ۹۵٪ اطمینان		سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین	گروه تحصیلی (۲)	گروه تحصیلی (۱)
حد بالا	حد پایین				
۰/۵۵۵۲	۰/۳۱۰۳	۰/۰۰۰	۰/۴۳۲۷۴*	دیپلم و فوق دیپلم	زیر دیپلم
۰/۶۶۰۷	۰/۳۸۳۳	۰/۰۰۰	۰/۵۲۱۹۸*	کارشناسی و بالاتر	دیپلم و فوق دیپلم
-۰/۳۱۰۳	-۰/۵۵۵۲	۰/۰۰۰	-۰/۴۳۲۷۴*	زیر دیپلم	دیپلم و فوق دیپلم
۰/۲۳۰۵	-۰/۰۵۲۰	۰/۲۱۵	۰/۰۸۹۲۴	کارشناسی و بالاتر	کارشناسی و بالاتر
-۰/۳۸۳۳	-۰/۶۶۰۷	۰/۰۰۰	-۰/۵۲۱۹۸*	زیر دیپلم	کارشناسی و بالاتر
۰/۰۵۲۰	-۰/۲۳۰۵	۰/۲۱۵	-۰/۰۸۹۲۴	دیپلم و فوق دیپلم	دیپلم و فوق دیپلم

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بیشترین میزان نابرابری مربوط به پاسخگویانی با مدرک تحصیلی زیر دیپلم بوده است که با دو گروه دیگر تفاوت معنی‌داری در سطح ۵٪ داشته است. ضمن آنکه بین دو گروه دیگر تفاوت آماری معنی‌داری مشاهده نشد. در انتها نیز با استفاده از روش تحلیل واریانس یک‌سویه، تفاوت بین میزان نابرابری در حالات مختلف گذران اوقات فراغت (مطالعه، تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو، ورزش و مهمانی رفتن، شرکت در جلسات مذهبی و فرهنگی) مورد بررسی قرار گرفت.

جدول شماره‌ی ۸: نتایج تحلیل واریانس یک‌سویه

سطح معنی‌داری	F	میانگین مجذورات	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	خاستگاه تغییرات
۰/۰۰۰	۱۲۰۸ ۷	۱/۹۸۳	۵/۹۴۸	۳	بین گروه‌ها
		۰/۲۷۵	۷۰/۶۹۲	۲۵۷	درون گروه‌ها
			۷۶/۶۴۰	۲۶۰	کل

نتایج جدول تحلیل واریانس حاکی از معنی‌دار شدن F بود. به عبارت بهتر، میزان نابرابری جنسیتی در حالات مختلف گذران اوقات فراغت تفاوت معنی‌داری را دارد.

جدول شماره ۹: میانگین نابرابری جنسیتی در نحوه‌ی گذران اوقات فراغت

گذران اوقات فراغت	میانگین	تعداد	انحراف معیار
مطالعه	۲/۷۱۸۸	۵۸	۰/۵۱۲۰۰
رادیو - تلویزیون	۳/۰۲۶۲	۹۸	۰/۴۸۵۸۶
ورزش	۲/۹۴۹۸	۶۴	۰/۵۹۷۴۴
شرکت در جلسات	۳/۱۸۸۷	۴۱	۰/۵۰۹۰۳

نتایج این آزمون نشان از وجود اختلاف بین میزان نابرابری جنسیتی در حالات مختلف گذران اوقات فراغت داشت.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بیشترین میزان نابرابری جنسیتی مربوط به زنانی است که در جلسات مذهبی و فرهنگی شرکت می‌کنند. بعد از آن، بیشترین میزان نابرابری را زنانی که اوقات فراغت خویش را به تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو می‌گذرانند، ایجاد می‌کنند. کمترین میانگین ایجاد نابرابری جنسیتی مربوط به مادرانی است که اوقات فراغت خود را به مطالعه‌ی کتاب، مجله و روزنامه می‌گذرانند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش شناخت نابرابری جنسیتی در خانواده است که توسط مادران ایجاد می‌شود.

قبل از هر چیز می‌خواستیم بدانیم آیا نابرابری جنسیتی در خانواده‌های ایلامی وجود دارد یا خیر؟ و در چه حوزه‌هایی نابرابری جنسیتی وجود دارد؟ و اگر نابرابری در خانواده‌ها وجود دارد نقش مادران در تولید نابرابری جنسیتی تا چه حد و چگونه می‌باشد؟

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که نابرابری جنسیتی در اکثر خانواده‌های ایلامی وجود دارد، و نابرابری جنسیتی در سه حوزه، نابرابری در حوزه هنجاری، نابرابری در حوزه اقتصادی و نابرابری در زمینه آموزشی و تحصیلی - مشاهده می‌شود. همچنین، مادران در تولید نابرابری در هر سه حوزه نقش مؤثری دارند.

بیشترین نابرابری در حوزه هنجاری و کمترین نابرابری در حوزه اقتصادی مشاهده شد. از دیگر یافته‌های پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که مادران شاغل، نابرابری کمتری نسبت به مادران خانه‌دار ایجاد می‌کنند. همچنین مادران بی سواد و کم سواد نابرابری بیشتری ایجاد می‌کنند.

مادرانی که اوقات فراغت خویش را به شرکت در جلسات مذهبی و فرهنگی می‌گذرانند،

نابرابری بیشتری ایجاد می‌کنند، و مادرانی که اوقات فراغت خویش را به مطالعه‌ی کتاب و مجله و روزنامه می‌گذرانند، کمترین نابرابری را ایجاد می‌کنند. همچنین، هر چه تعداد افراد خانواده بیشتر بود، نابرابری هم بیشتر بود. بین هزینه‌های خانواده و نابرابری در زمینه‌ی آموزشی و هنجاری رابطه‌ی معکوس وجود داشت و بین هزینه‌های خانواده و نابرابری در زمینه اقتصادی رابطه‌ی مستقیم وجود داشت. در نتیجه‌گیری کلی باید گفت، منشأ نابرابری جنسیتی از خانواده می‌باشد و مخصوصاً توسط مادران در خانواده نابرابری جنسیتی تولید و باز تولید می‌شود. نابرابری جنسیتی که منشأ آن در خانواده می‌باشد به حوزه‌های کلان جامعه نیز تسری پیدا می‌کند.

## منابع فارسی

- اعزازی، ش. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ سوم.
- بهنام، ج. (۱۳۸۳). تحولات خانواده: پویایی خانواده در حوزه های فرهنگی گوناگون. ترجمه‌ی: محمد جعفرپوینده. تهران: نشر ماهی. چاپ دوم.
- بلوتی، ا. ج. (۱۳۸۱). اگر فرزند دختر دارید (جامعه‌شناسی و روانشناسی شکل‌گیری شخصیت در دخترها). ترجمه‌ی: محمد جعفر پوینده. تهران: نشر نی.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۰). درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان، چاپ سوم، جلد اول.
- شایگان، ف. (۱۳۸۵). تبعیض جنسی. پیام زن، دوره ۴.
- گرت، ا. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی جنسیت. ترجمه‌ی: کتایون بقایی. تهران: نشر دیگر.
- گرگی، ع. (۱۳۸۳). بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر نگرش زنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز).
- گروسی، س. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز).
- میشل، آ. (۱۳۷۶). پیکار با تبعیض جنسیتی، پاکسازی کتاب، خانه، مدرسه، و جامعه. ترجمه‌ی: محمد جعفرپوینده. تهران: نشر چشمه.
- نوابی نژاد، ش. (۱۳۸۵). روانشناسی زن. تهران: نشر علم، چاپ سوم.

منابع انگلیسی

- Gazso, W.A; McMullin, J. A. (2003). **doing domestic labour**. Canadian journal of sociology, (3)28: 341-366.
- Smorda, Z. (1995). **power,gender stereotypes, and perceptions of heterosexual couples**. Brithish journal of social psychology, 34: 421-435.